

شهید سلیمانی؛ الگوی خویشنداری در تعامل با جامعه

دکتر شهره پیرانی^{*۱}

مرتضی عزیزی^۲

چکیده

هدف: مقاله حاضر با رویکرد بررسی و تبیین ویژگی‌های اخلاقی و معرفتی شهید سلیمانی در تعامل با جامعه بوده که موجب الگویی ممتاز در میان شخصیت‌های نظامی و سیاسی گشته است.

روش‌شناسی پژوهش: این نوشتار با روش تحلیل اسنادی که درصدد شناسایی و ترسیم روابط پدیده‌ها به کمک کنکاش در داده‌ها و تحقیقات قبلی بوده، تدوین گشته است.

یافته‌ها: یافته‌ها حاکی است که خویشنداری محور شخصیتی ایشان، ضمن معرفی به عنوان الگوی نمونه، مجموعه‌ای از شاخص‌های اخلاق کاربردی و عملی را به نمایش خواهد گذاشت و در نتیجه بتوان از آثار اجتماعی و سیاسی آن که در کمال و سعادت آدمی مؤثر عمل می‌نماید، بهره‌مند شد.

نتیجه‌گیری: سکینه نفس انسان در تقابل با حوادث می‌تواند دچار لغزش شود و در صورتی که تقید به فضایل و در رأس آن‌ها، خویشنداری را سرلوحه قرار دهد، قادر به رشد نفس تا بدانجایی است که در کوران حوادث، مسالمت‌جویی را مورد مذاقه قرار دهد.

کلید واژه‌ها: خویشنداری، شهید سلیمانی، الگوی تعامل، سکینه الهی، خودکنترلی

Email:Sh_p202@gmail.com

۱- استادیار علوم سیاسی و مطالعات انقلاب اسلامی، دانشگاه شاهد

Email:moraz2050@gmail.com

۲- کارشناس ارشد جامعه‌شناسی انقلاب اسلامی دانشگاه شاهد

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۱۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۲/۱۶

مقدمه

اخلاق یکی از مهم‌ترین شاخصه‌های سبک زندگی اسلامی که در سعادت و کمال دنیوی و اخروی انسان حائز اهمیت است، که در دو حیطه اهتمام به فضایل اخلاقی و اجتناب از رذایل اخلاقی ترسیم شده است. این اخلاق در بستر زندگی اجتماعی و برقراری ارتباط میان یک فرد با سایر افراد شکل گرفته و در همین راستا اهمیت آن در میان زمامداران نسبت به مردم بیشتر می‌گردد. زیرا در اندیشه امام خمینی (ره) جایگاه مردم نه فقط در حکومت اسلامی که یک حکومت عدل است، بلکه در همه حکومت‌ها چنان است که حکومت‌ها بایستی تابع و برای مردم باشند و حکومت اسلامی، حکومتی که برای مردم خدمتگزار است. این خدمت کردن در گرو رفع مسائل و مشکلات و اخلاقی بودن سیاست کارگزاران تحقق پیدا خواهد کرد. شهید سلیمانی به عنوان یکی از کارگزاران نظام مقدس جمهوری اسلامی، جایگاهی رفیع در میان آحاد مردمی لحاظ شده است؛ اسباب چنین جایگاهی باعنایت پروردگار و انگیزه‌های الهی ایشان فراهم شده و سپس پیروی از منویات دینی، او را زینده کرد و با توجه به خویشکاری ایشان آشکارا یک قهرمان ملی انگاشته شده که در سالیان درازی، عمده عمرشان با به کارگیری اصول مهمی در جهت پیشبرد آرمان‌های اسلامی وقف کردند.

در نتیجه واکاوی و ترسیم شاخص‌های اخلاقی ایشان را که برگرفته از فرهنگ و سبک زندگی قرآنی و اهل بیت(ع) بوده و به عنوان الگویی که در کمال و سعادت آدمی مؤثر عمل کرده که آثار آن را در جنبه‌های اجتماعی و سیاسی کارگزاران و عموم جامعه در مرحله اجرا نمایان کرد؛ ضرورت می‌نماید. برجسته‌نمایی جایگاه شهید سلیمانی، به طریقی شناساندن فرهنگ ملی و اسلامی در شرایطی که مهمترین عامل ناآرامی انسان معاصر، بحران معرفتی او از خود و نیروی درونی خویش است؛ فلذا برای حل این بحران، باید ماهیت الهی نفس و نظم حاکم بر آن را به او یادآوری کرد؛ موضوعی که در فلسفه‌ی افلاطون تأکید شده و فضیلت خویشنداری، بر بنیان امری درونی استوار و همواره در نظم حاکم بر نفس تعین می‌یابد.

پیشینه‌شناسی تحقیق

معظمی‌گودرزی (۱۳۹۹) در مقاله «ارائه الگوی اخلاقی و اعتقادی مدیران از منظر شهید سلیمانی» با روش تحلیل مضمون به ابعاد اخلاقی و اعتقادی مدیران را از منظر شهید سلیمانی و با تکیه بر ویژگی فرماندهان شهید ترسیم کرده است و ویژگی‌های اخلاقی و اعتقادی فرماندهان شهید را به عنوان مدیران نمونه بررسی کرده است. تفاوت مقاله مزبور با پژوهش ما طرح این مطلب که خصیصه خویشنداری شهید سلیمانی به عنوان الگوی اجتماعی توانسته نقش سازنده و اساسی در شکل‌گیری یک سرمایه اجتماعی سهم‌آفرینی کند.

تولایی (۱۳۹۹) در مقاله «جایگاه معنویت اسلامی در رشد و تعالی فرماندهان» با هدف تبیین جایگاه معنویت بر اساس مکتب شهید سلیمانی با روش توصیفی با استفاده از وصیتنامه شهید سلیمانی و بیانات مقام معظم رهبری پرداخته است. یافته‌های آن حاکی از معنویت شهید سلیمانی در سه سطح فردی، جمعی و اجتماعی بوده و هر یک را برشمرده است. تفاوت آن با مقاله ما در ارائه دیدگاهی که می‌توان با بررسی ابعاد اخلاقی به ویژه خویشنداری شخصیت شهید سلیمانی در کمرنگ کردن مرزبندی‌های اجتماعی کارکرد داشته باشد.

کریمی‌خویگانی (۱۳۹۹) در مقاله «رهبری معنوی و متواضعانه در مکتب تربیتی شهید سلیمانی» با هدف بررسی رهبری معنوی و متواضعانه شهید سلیمانی با روش توصیفی و تحلیل اسنادی پرداخته است. یافته‌های این مقاله عبارت است از آنکه شهید سلیمانی مصداق عملی سبک رهبری معنوی و متواضعانه می‌باشد. تفاوت مقاله موصوف با مقاله ما در اهمیت تقویت خویشنداری به عنوان محور فضایل اخلاقی که نه تنها آثار فردی بلکه آثار اجتماعی برای هر شخصی داشته و شهید سلیمانی الگوی چنین سبک رفتاری و بینشی هستند.

روش‌شناسی تحقیق

روش تحقیق در این پژوهش عبارت است از نوع کیفی و روش تحلیل اسنادی می‌باشد. گفتنی است که تحلیل اسنادی با توجه به تقسیم‌های موجود غیرواکنشی محسوب شده و با چالش گردآوری اطلاعات در قیاس با سایر روش‌ها کمتر مواجه است و از اطلاعات موجود بهره می‌گیرد (ساروخانی، ۱۳۸۷: ۲۵۵). از ویژگی‌های بهره‌گیری از روش تحلیل اسنادی آن است که محقق درصدد یک پژوهش تاریخی باشد، یا آنکه موضوع خود را در شناسایی و بررسی روابط پدیده‌های مرتبط موجود در تحقیقات قبلی مورد کنکاش قرار دهد. بنابراین موضوع و نوع پژوهش، ضرورت رجوع به اسناد و مدارک را مشخص می‌کند.

مبانی نظری و پیشینه شناسی تحقیق

اخلاق از الفاظ مشترک و دارای کاربردهای مختلف است؛ مفرد خُلق به معنای سرشت و سنجیه‌ی پسندیده است (مصباح یزدی، ۱۳۹۴: ۱۹). خویشتن‌داری از محوری‌ترین مفاهیم اخلاقی که در اسلام معادل «تقوا» قرار گرفته و به عنوان ملاک برتری انسان‌ها^۱ و حلقه اتصال میان بسیاری از ارزش‌های انسانی تلقی می‌شود؛ به طوری که بدون آن بسیاری از اعمال ارزشی انسان پذیرفته نخواهد شد.^۲ این مفهوم در قرآن کریم به معنای حلم بیان شده و همنشین یکی از کلیدواژه‌های اصلی قرآن، ایمان است که از ریشه امن به معنای آرامش جان و رهایی از هرگونه ترس و اندوه است که در پی برقراری ارتباط میان پذیرش کلام خدا و آرامش یافتن روان حاصل می‌شود. طبق آیه ۸۲ سوره مبارکه انعام، مؤمنانی که هیچ ناپاکی را به حریم ایمانشان راه ندهند، آرامش نصیب آنان می‌شود و آنان از هدایت شدگانند.^۳ کسانی که خود را تسلیم خدا کنند و نیکوکار باشد، پاداش آن‌ها نزد پروردگارشان بوده و نه ترسی دارند و نه غمگین می‌شوند.^۴ اهمیت فضیلت‌های اخلاقی و خویشتن‌داری به عنوان یکی از آن‌ها، از دیدگاه مقام معظم رهبری (مدظله) تا بدانجاست که نهایت کمال انسانی است: «جامعه‌ای که به عبودیت خدا می‌رسد، یعنی به معرفت کامل خدا میرسد، تخلق به اخلاق‌الله پیدا می‌کند؛ این، آن نهایت کمال انسانی است» (بیانات رهبری، ۱۳۹۰/۰۷/۲۴).

خویشتن‌داری به عنوان یکی از فضیلت‌های اخلاقی در فرهنگ واژگان فارسی به معنای عفاف، زهد، کف نفس، حلم، بردباری، تمالک نفس، خودداری از شهوات و پرهیزکاری به کار رفته است (دهخدا، ۱۳۴۱). معادل خودداری و کسی که خود را از ارتکاب کارهای ناپسند نگه می‌دارد، ذکر شده است (عمید، ۱۳۴۲). در روانشناسی توانایی انتخاب پاداش بزرگ‌تر و با تأخیر، در مقابل پاداش کوچک‌تر و بدون تأخیر را خویشتن‌داری^۵ می‌گویند. در مفهومی مشابه اصطلاح «آرامش روان» به معنی حالت خاصی همراه با آسودگی خاطر، ثبات و طمأنینه و هماهنگی تپش قلب با طبیعت است که شخص را در برابر رویدادهای مختلف زندگی و حوادث ناگوار و شرایط سخت استوار نگه می‌دارد (عیسی‌زاده، ۱۳۹۷: ۶). تسلط چنین فضیلتی اخلاقی، از دیدگاه رادرفورد^۶ و داوشرن^۷ باعث می‌شود که در انتخاب رفتارها یا اعمال خود، به جای تکیه بر انگیزه‌های آنی به نتایج آن‌ها توجه شود و بر اساس آن عمل شود (رادرفورد و داوشرن،

۱. سوره مبارکه حجرات، آیه ۱۳

۲. سوره مبارکه مائده، آیه ۲۷

۳. آنان که ایمان آورده و ایمان خود را به ستمی نیالودند ایمنی آنها راست و هم آنها حقیقتاً هدایت یافته‌اند.

۴. سوره مبارکه بقره، آیه ۱۱۲

5. Self-Restraint

6. Rutherford

7. Dowshern

(۲۰۰۱). برخی از اندیشمندان اجتماعی به تأخیر انداختن خشنودی و خوشحالی را یک پویایی مهم و زیربنای انتخاب‌های رفتاری افرادی می‌داند که به زندگی بعد از این دنیا معتقدند (کولق و ویلوقی، ۲۰۰۷).

حسب آرای عموم اندیشمندان این حوزه، به آن موقعیت‌هایی اطلاق شده که افراد می‌توانند بر مهار نفس یا درخواست‌های نیروی درونی خود پیروز شوند. افراد تمایلات خویش را به گونه‌ای تغییر داده که هدفی را با عنایت به یک هدف والاتر کنار زده و بتوانند از فواید آن بهره‌مند گردند (مک‌کولق و برین، ۲۰۰۹). این موضوع بیشتر در انسان‌های ارزش‌محور صدق می‌کند. به عقیده بامایستر این اهداف، معیارهایی چون آرمان‌ها، ارزش‌ها، اخلاقیات و انتظارات اجتماعی که بلندمدت‌تر می‌نماید (ماسی کمپو و بامایستر، ۲۰۰۷).

در عصر حاضر مباحثی حول محور آرامش و انگیزش از سوی مکاتب مختلف روانشناسی مطرح گشته؛ با این تفاوت که اکثر آن‌ها بر دیدگاه ماتریالیستی در بنیاد آرامش روانی انسان تأکید و بیش از اندازه بر جهان خارج انسان و نه حقیقت درونی تکیه داده‌اند. عدم ارائه‌ی راه حلی متناسب فطری او برای رفع معضل ناآرامی، ضرورت داشته که اهمیت خویش‌داری با تأکید بر رویکرد الهی و معنوی مورد توجه قرار گیرد (سلطانی، ۱۳۹۵: ۱۱۳).

یکی از نظریات این موضوع که افلاطون اشاره کرده و نظامی از فضایل را طرح و بر خویش‌داری تأکید داشته است. اهمیت آن از دیدگاه او تا بدانجاست که زندگی توأم با خویش‌داری را برترین نوع زندگی می‌داند. از دیدگاه افلاطون، سلامت نفس متکی بر کسب فضایل اخلاقی و پرورش آن‌هاست که از جمله مهم‌ترین آن‌ها، خویش‌داری یا حاکمیت بر نفس است. خویش‌داری حاصل حاکمیت عقل بر قوای شهوت و غضب یا نظم و هماهنگی درونی آدمی که به عنوان قوه عالی بازدارنده در برابر تمایلات و ناملازمات زندگی یاری می‌کند. انسان خویش‌دار کسی است که همواره دارای آرامش و رفتاری متعادل است؛ چنین کسی از تلاطمات بیرونی، متأثر نخواهد شد و در همه حال از اضطراب، تنش، تفکر غیرمنطقی، ترس و اندوه به دور است. مسئله‌ای که افلاطون برای کسب یک زندگی سعادت‌مانده، روح را بر جسم تقدم بخشیده و آن را مسلط می‌داند (سلطانی، ۱۳۹۵: ۱۲۰-۱۱۵).

از دیدگاه دینی اخلاق به عنوان مفهومی کلان و جهت‌دهنده همه حرکت‌ها و فعالیت فردی و اجتماعی، به عنوان نیاز اصلی جامعه جایگاه ویژه‌ای دارد که با حاکمیت اخلاق و معنویت، محورهای دیگر زندگی سامان می‌یابند و همه چیز به سمت مثبت سوق داده می‌شوند و انسان در برخورد با حوادث دوران زندگی؛ شجاعانه، سربلند و پرافتخار حرکت خواهد کرد (بیانات رهبری، ۱۳۵۹/۰۹/۲۳).

در کلام و رفتار پیامبر اسلام (ص) و امامان (ع)، به حلم و خویشتن‌داری تأکید شده است. به عنوان نمونه حضرت علی (ع) می‌فرماید: «كَمَالُ الْعِلْمِ الْحِلْمُ، وَ كَمَالُ الْحِلْمِ كَثْرَةُ الْأَحْتِمَالِ وَ الْكَطْمُ»؛^۱ کمال و درجه عالی علم، داشتن حلم بوده و کمال حلم بستگی به تحمل بسیار و فزونی فرونشاندن خشم دارد. روایت‌های دیگری در این خصوص مطرح شده که هر کدام با بیانی، خصیصه حلم را پسندیده و انسان خویشتن‌دار را ستوده‌اند تا بدانجایی که پیامبر اکرم (ص) فلسفه بعثت خود را اتمام مکارم اخلاقی طرح کرده‌اند (مجلسی، ۱۴۰۷ق: ۳۸۲).^۲

حضرت علی (ع) یکی از اهداف اصلی حکومت را اصلاح مردم مطرح کرده^۳ و مراد از آن هدایت اخلاقی مردم به سوی سعادت جمعی و رهنمون شدن آن‌ها به پیروی از دستورهای الهی و غلبه عقل بر هوای نفس و شهوت است. در واقع در میان اهداف چهارگانه‌ای که حضرت علی (ع) در فرمان خود به مالک اشتر به عنوان کارگزار حکومت اسلامی بر می‌شمارد، «اصلاح مردم» مهمترین هدف است و دیگر موارد، مقدمه تحقق این هدف شمرده می‌شوند. اگر حاکم و کارگزار حکومت اسلامی، خداوند را به عنوان بالاترین ارزش باور داشته باشد، آنگاه تمام ارزش‌های دیگر، در جهت قرب به او معنا پیدا می‌کند (رنجبر، ۱۳۸۸).

شرط هدایت اخلاقی برای سعادت و پیاده‌سازی دستورها و ارزش‌های دینی، عاملیت کارگزاران به فضیلت‌های اخلاقی در برخورد با مردم است. در همین راستا خویشتن‌داری جایگاه ارزنده‌ای به عنوان فضیلتی که کارساز و غلبه با نفسانیت را مشروط خود می‌کند. آیات و روایاتی که این فضیلت را در مواجهه با طیف‌های مختلف مردمی به عنوان رکن اساسی حکومت، مهم مطرح کرده است. سیاست اخلاقی در وحدت و کسب سرمایه اجتماعی عاملی پیشران محسوب می‌گردد. نمونه عملی این تفکر، شهید سلیمانی به عنوان الگوی خویشتن‌داری در تعامل با افرادی با گرایش‌هایی از جریان‌های مختلف اعم از سیاسی یا دینی می‌باشد. در نگاه شهید سلیمانی بدین صورت است که نقش یک مسئول را تشبیه به یک پدر مهربان کرده، می‌بشود که در سیره پیامبر اکرم (ص) نیز روایت‌های مختلف چه در مقطع عضوی از جامعه و چه در مقطع سکاندار حکومتی نقل شده است. سبک مدیریتی و افق متعالی یک کارگزار که جایگاهش را یک ودیعه الهی بداند تا این اعتقاد معنوی به تمام برنامه‌های او جهت دهد و صبغه الهی بگیرند. به

۱. غرر الحکم : ۷۳۳۱

۲. «إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ»

۳. نامه ۵۲، نهج البلاغه

عبارتی هدفی را با عنایت به یک هدف والاتر که در اینجا همان انگیزه معنوی و دینی است، کنار زده تا بدین نحو بر وحدت و مفاهمه مشترک میان حکومت و متن جامعه اثر بخش باشد.

امام خمینی (ره) به عنوان بنیان‌گذار و رهرو برجسته مکتب اسلام عصر معاصر، یکی از محورهای مورد توصیه خود را که تحت عنوان یک تکلیف بسیار بزرگ و بالاتر از سایر تکالیف عنوان کردند، مسئله حفظ اسلام با وحدت بوده است. به عقیده ایشان امروز حفظ اسلام در تفاهم میان اقشار و حکومت است و رمز بقای انقلاب اسلامی، انگیزه الهی و مقصد عالی حکومت اسلامی و اجتماع ملت در سراسر کشور با وحدت کلمه است. در مقابل این انگیزه که رمز پیروزی و بقاست، فراموشی هدف و تفرقه و اختلاف است (امام خمینی، ۱۳۹۲: ۶۶۸). بنابراین خصیصه خویشتن‌داری به عنوان یکی از سطوح پیش نیاز مدیران تمدن انقلابی بر وحدت و همبستگی راه گشاست. از دیدگاه اندیشمند کنونی جهان اسلام، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله‌عالی) یکی از شرایط برای پیشرفت اخلاق آن است که برای جوان‌ها الگو ارائه کرد. این الگوها با رفتارها، عملکرد، اظهارات خود، یک تجربه نمونه برای جوان‌ها می‌شوند. الگوسازی، یکی از اساسی‌ترین کارهاست که در تاریخ ماندگار می‌شود. با تعریف هر کدام از الگوها و چهره‌های برجسته در مقابل افراد جامعه، نسل حاضر با مشاهده غیرت، همت، صداقت، سلامت، فداکاری‌ها، بینش والا، رفتار نیک با مردم، با هم‌نوعان، با پدر و مادر، با خانواده، با دوستان، علاوه بر آموزنده بودن در پیشرفت اخلاقی و سعادت جامعه سهم بسزایی دارد (بیانات رهبری، ۱۳۹۱/۰۲/۱۳). در اسلام قرب الهی غایت اخلاق است و موجب سعادت و کمال فردی می‌شود. در این راستا، اخلاقی رفتار کردن در سیاست و در مواجهه با جامعه هم زمینه لازم را برای سعادت جمعی همراه با آثار سیاسی و اجتماعی فراهم می‌نماید. در این مقاله با بررسی شخصیتی شهید سلیمانی، سعی در مطالعه و شناخت این بعد اخلاقی از منش و بینش ایشان با محور یک الگوی اخلاقی داریم.

یافته‌ها و تجزیه و تحلیل داده‌ها

الف: چارچوب مفهومی

مردم سالاری در حکومت اسلامی

یکی از محورهای اصلی سیره و روش حکومتی ائمه معصومین (ع) جایگاه و نقش مردم در حکومت و رابطه آن با کارگزاران می‌باشد. از دیدگاه امام خمینی (ره)، حکومت‌ها باید خدمتگزار ملت‌ها باشند و اگر حکومت‌ها و ملت‌ها به سیره رسول اکرم (ص) و ائمه (ع) مسلمین عمل می‌کردند، آرامش در همه جای زمین به دور از این اختلافات و خونریزی‌ها بود (امام خمینی، ۱۳۹۲: ۳۷۹). در صدر اسلام، محیط حکومت در رأس جامعه، هرگز اربابی نبوده و با مردم دیگر تفاوتی نداشته است؛ بلکه زندگی آن‌ها در سطحی پایین‌تر بوده است. به عقیده امام خمینی (ره) نه فقط حکومت‌های اسلامی بلکه همه حکومت‌های

جهانی، باید با مردم تفاهم داشته باشند. به همین ترتیب قرآن و حدیث، آن قدر بر تقوا به عنوان بزرگترین سرمایه پافشاری کردند که انسان متقی و مواظب خودش باشد که مبادا با زبانش، چشمش و گوشش به مردم ظلم کند (امام خمینی، ۱۳۹۲: ۳۸۲).

آثار خویشتن‌داری در تعامل اجتماعی

جامعه مورد نظر اسلام هم از لحاظ مادی و هم معنوی باید پیشرو باشد. در چنین جامعه‌ای، معنویت و اخلاق باید به قدر حرکت پیش‌رونده مادی پیشرفت کند. دل‌های مردم با خدا و معنویت آشنا شود که این از خصوصیات استثنایی جامعه و تمدن اسلامی می‌باشد (بیانات رهبری، ۱۳۸۵/۰۵/۲۰). با بررسی بیانیه گام دوم انقلاب، مشخص می‌گردد که اخلاق و معنویت روح حاکم بر سایر توصیه‌ها بوده و به مثابه اکسیژن و هوایی لطیف بوده که اگر در جامعه بشری وجود مسلط باشد، انسان‌ها می‌توانند با تنفس آن زندگی سالمی داشته باشند. با نبود آن، حرص‌ها، جهالت‌ها، دنیاطلبی‌ها، سوءظن به یکدیگر زندگی سخت و قدرت تنفس لازم از انسان گرفته خواهد شد (بیانات رهبری، ۱۳۸۸/۰۴/۲۹).

آیه ۳۴ سوره فصلت^۱ به یکی از آثار مهم حلم و خویشتن‌داری اشاره کرده توضیح می‌دهد که با برخورد نیک، محبت و عکس‌العمل نیکو در برابر نامالایمات، زندگی را برای خود آرام کنید، زیرا در این صورت دشمنی‌ها و کینه‌ها به دوستی تبدیل شده، شعله‌های فتنه‌ها خاموش گشته و جامعه به همسویی و مهر و محبت و برادری سوق داده می‌شود. بارها در سیره‌ی پیامبر اکرم(ص) و اهل بیت معصوم(ع) نمونه‌هایی از این برخوردها را می‌خوانیم که سرسخت‌ترین مخالفان را به طرفدار آنان تبدیل کرده است که از آثار درخشان این رویکرد می‌باشد (قرائتی، ۱۳۸۳: ۳۴۱).

طبق آیه مذکور، برخوردهای خوب و بد هر یک آثار خود را به جای گذاشته و در عمق روح افراد باقی می‌ماند. یک نمونه‌ی عملی دعوت به سوی خدا دفع بدی‌های مردم با برخوردهای خوب است و بدین‌سان مخالفان به چند دسته تقسیم می‌شوند که باید با هر کدام به نحوی مقتضی عمل کرد:

الف) گاهی افرادی به خاطر جهل و نادانی در برابر حق قرار می‌گیرند و دشمنی می‌کنند که این آیه دستور محبت و برخورد احسن می‌دهد. ب) گاهی مخالفت افراد بر اساس شک و تردید است که باید با آنان از طریق استدلال و برطرف کردن شبهات برخورد کرد. ج) گاهی مخالفت بر اساس حسادت است که باید با اغماض برخورد کرد. د) گاهی مخالفت به خاطر حفظ موقعیت و رفاه و کامیابی‌های مادی است. در این موارد اتمام حجت و به عبارتی آنان را به حال خود واگذارن کافی است. و) گاهی مخالفت، در قالب کارشکنی و هجو و تضعیف ایمان مردم است که برخورد با این گروه را آیات ذیل در قالب برخورد شدید

۱. وَلَا تَسْتَوِي الْحَسَنَةُ وَلَا السَّيِّئَةُ ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ

با آنان و قطع رابطه و دستگیری و گاهی اعدام مشخص می‌کند. ه) گاهی دشمنی آنان با دست بردن به اسلحه و مبارزه‌ی مسلحانه است که قرآن می‌فرماید که همان گونه آنان بر شما تعدی کردند باید با آنان مقابله به مثل کنید (قرآنی، ۱۳۸۳: ۳۴۱).

مدل مفهومی پژوهش

شهادت سلیمانی از جمله شخصیت‌های ارزش‌محوری هستند که با درک میزان فاصله وضعیت موجود و وضعیت مطلوب که در نگاه دین مبین اسلام، رستگاری و تقرب الهی است، توانسته با تقویت انگیزشی، بر خویشتن‌داری خود به ویژه در تعامل با جامعه کارساز شود. این کارسازی حاصل سال‌ها تمرین خودمهاری همچون حفظ ارتباط معنوی با خداوند و اولیای معصوم (ع) و مراقبت از حقوق دیگران و مواجهه با مردم می‌باشد. اساساً شخصیت‌هایی همچون شهید سلیمانی واجد شرایطی و ویژگی‌هایی هستند که موجب الگویی برجسته در تعامل با جامعه و چه بسا سایر جوامع می‌گردند. این شرایط برگرفته از هدف والای معنوی اوست که مسبب تخلص سردار دل‌ها به ایشان شده است. مقتبس از همان مواجهه ایشان با مردم و به تبع آن انعکاس همان مدیریت پدران به او شده است و در میان آحاد جامعه جایگاه شایسته‌ای لحاظ کردند. در این مقاله تلاش شده است تا ضمن بررسی دلایل الگویی شهید سلیمانی و رویکرد خویشتن‌داری ایشان بر اساس ترسیم نتایج منابع اسلامی، به آثار اجتماعی و سیاسی چنین فضیلت اخلاقی پرداخت شود.

ب: شهید سلیمانی؛ الگوی خویشتن‌داری

شهید سلیمانی با اهتمام در تقویت اعتقاد معنوی خود نسبت به مردم نگاه ویژه‌ای داشتند که ابعاد فرهنگی فرماندهی ایشان نشئت گرفته از همان است. به عقیده شهید سلیمانی، مردم ایران در مقاطع حساس انقلاب اسلامی، ناجی انقلاب بودند و با نقش‌آفرینی به‌موقع توانستند، بسیاری از توطئه‌ها را دفع نمایند. به همین جهت به آن‌ها اعتقاد جدی داشت، به عنوان نمونه بیان داشتند: «باید کف پای این ملت را بوسید، باید این ملت راه می‌رود خاک کف پای این ملت را به چشم کشید و تبرک کرد، این ملت، ملت بزرگ و وفاداری است. این ملت، ملت کم‌نظیری است، این ملتی است که امیرالمؤمنین (ع) و فرزندان گران‌قدرش امام حسن مجتبی و حضرت سیدالشهدا (ع) در غربت او به سر می‌بردند، این ملت اگر آن روز در خدمت آن امام و امامان معصوم بود، امروز عالم اسلامی چیز دیگری بود، خداوند در این دوره و در این برهه تقدیر کرد» (شهید سلیمانی، ۱۳۹۶/۱۱/۲۲). این یک امر ضروری است که صرفاً چهره نهضتی و بین‌المللی ایشان در نظر نگرفته و چهره عبادی و معنویشان را هم مدنظر قرار گیرد. چهره معنوی شهید سلیمانی باید جلوه‌گر باشد؛ شهید سلیمانی بنا بر همین روحیه معنوی‌اش، خود را از مردم جدا نمی‌کرد و متواضعانه در جمع آن‌ها می‌یافت.

شهید سلیمانی در عرصه تعامل با جامعه، از مردم خیلی محکم و جدی دفاع می‌کردند. اعتقاد به اینکه مردم، متدین و انقلابی هستند و اینگونه نیست که تحت تاثیر فشارها از انقلاب خارج شوند. به عقیده ایشان جمعیت بسیار اندکی ضد انقلاب هستند و بقیه افراد را در حوزه انقلاب اسلامی ارزیابی می‌کردند. این جمله ایشان که عنوان کرده بودند که دخترهای بی‌حجاب، دخترهای خودمان هستند، باید با این‌ها گرم بگیریم و حساب آن‌ها از دخترهای فاسد ضد انقلاب جداست. مردم به ماهو مردم نه به ماهو حزب-الله و مذهبی بلکه به همان نگاه کمالی کامل قبول داشتند (زارعی، ۱۳۹۹).

شهید سلیمانی یک روحیه‌ی فداکاری و نوع‌دوستی داشتند، منظور آنکه برایشان این ملت و آن ملت و مانند این‌ها مطرح نبود؛ حالت فداکاری برای همه آحاد داشت. از طرفی اهل معنویت و اخلاص و آخرت‌جویی بود؛ و اهل تظاهر نبود. این‌ها مجموعه‌ی مکارم اخلاق با ارزشی است (بیانات رهبری، ۱۳۹۹/۰۹/۲۶). این رفتار شهید سلیمانی با مردم حاکی از نگاه ایشان به همه اجزاء مردمی و فعالیت‌های بشردوستانه به کلیه اقلیت‌های ملی و مذهبی بود و شکل‌گیری چنین دیدگاهی از آموزه‌های مکتبی اسلام منبعث شده است. فرمانده‌ای پر رمز و راز دنیا که در عوض گرفتن عجب و غرور، خود را نه تنها در کلام بلکه در عمل خادم مردم معرفی می‌کند و در برابر کارهای جهادی خود، خویش‌داری پیشه می‌کند؛ این تبلور در شخصیت ایشان و مشاهده خلوص نیت باعث بلندپایگی جایگاه او در میان ایرانیان و مسلمانان فارغ از گرایش‌های سیاسی شده است و به همین نحو ارزش‌های فرهنگی ایرانی را مجسم کرد تا آنکه ملت اختلاف‌ها را کنار زده و بر وحدت و یکدلی خود استوارتر گردند.

خویش‌داری شهید سلیمانی عامل آن بود که بی‌تفاوت از کنار مردم عبور نکند. ایشان جمعیت‌های زیادی را جذب کردند و تعداد قابل‌توجهی را در فضای داخلی و سپس در فضای خارجی به سمت جمهوری اسلامی کشاند. او به‌واسطه اقدامات و نوع رفتار خود میلیون‌ها نفر را به دوستداران رهبر انقلاب افزود. موفقیت‌های گسترده نظام در خارج از کشور به واسطه ایشان، بقاء انقلاب را در داخل بیمه کرد و مردم نیز با همین نگاه، ناکارآمدی‌ها را به نوع مدیریت و برخی مسئولین کشور دانسته‌اند و موجی را در دفاع از انقلاب و منطق آن به راه انداخت (زارعی، ۱۳۹۸: ۲۳). در واقع شهید سلیمانی با این عملکرد خود بهترین واسطه میان مردم و نظام بودند. روحیه انقلابی او معطوف به یک جناح نیست، سعی داشتند به فضاهایی که انقلاب را نمی‌شناسند، آن را معرفی کنند و همین توصیه را به دیگران هم داشت. به طور مثال توصیه به سخنرانی در دانشگاه‌ها که انواع و اقسام افراد مختلف هستند، آن‌ها را جذب کنند (شیرازی، ۱۳۹۹).

شهید سلیمانی شخصیتی هستند که در بین مردم زیست کرده و آن چیزی را که در بین مردم زیست کرده، دوباره مرور و اصلاح می‌کند. علاوه بر زیستن در کنار مردم، استفاده کردن از زبان مردم و رفتار

کردن همچون مردم، هم سطح و هم شأن شدن ایشان با آدم‌ها، ارزشمند است. چیزی که جهان امروز به آن احتیاج دارد پیدا کردن نقطه مشترک میان زبان‌ها و زیستن در جهان‌های مشترک، در کنار هم و با نقاط مشترک است (پزشکی، ۱۳۹۸).

توصیه‌های فراوانی از روایات و احادیث برای تعاون و همکاری و کمک به هم‌نوع داریم. مانند «الْخَلْقُ عِيَالُ اللَّهِ»^۱ و «مَنْ ذَا الَّذِي يَقْرُضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضَاعِفَهُ»^۲ طبق همین آیات و احادیث، شهید سلیمانی نگاه معنوی به مردم داشت که این مردم به خدا نزدیک‌تر هستند و خدمت به این مردم، افتخار است. تقرب را از مسیر انسان و انسانیت می‌دید. در نگاه ایشان تقرب به خدا از طریق تقرب به مردم حاصل می‌شود. یعنی همجواری با انسانی که مخلوق خداست همان گونه که حضرت علی(ع) به مالک اشتر زمانی که می‌خواست به مصر برود فرمود؛ «إِمَّا أَحْ لَكَ فِي الدِّينِ وَإِمَّا نَظِيرُ لَكَ فِي الْخَلْقِ»^۳ این مردم یا برادر دینی تو هستند یا مثل تو مخلوق هستند. یعنی حریم دارند یعنی اینجا جای این نیست که نگاه کنی صرفاً دینش چیست. این نباید سبب تقسیم بندی بشود که ما را از خدمت به مردمی که از نظر ما در صراط مستقیم نیستند، منع کند (زارعی، ۱۳۹۹). از نگاه برخی که می‌خواهند بدون واسطه به خدا متصل شوند، شهید سلیمانی معتقد نبود به این مطلب بلکه مخلوق خدا را برای خدا با ارزش دانسته و ازین منظر به مردم نگاه می‌کرد تا واسطه آن‌ها قرب به خداوند پیدا کند، یعنی رضایت خدا در گرو رضایت خلق خدا به دست می‌آید.

با صبوری در برابر افکار، قدرت تعقل و نقادی در جامعه رشد کرده، تغییر روابط کلامی، تقویت روح همکاری، کارگروهی، مسئولیت اجتماعی و تبادل اندیشه‌ها و فرهنگ‌ها بالنده می‌شود. بر همین اساس، قرآن کریم در رویارویی با آرای مخالف، مسلمانان را به خویشن‌داری دعوت می‌کند تا در پرتو آن، گزینش بهترین سخن ممکن شود. با این روش، فاصله‌هایی که ممکن است بر اثر تعصب بی‌جا و پافشاری بر ایده‌ای ایجاد شده، کاهش یابد و خصومت جای خود را به خوش‌بینی بدهد (دهقانی، ۱۳۹۲: ۲۳۲). از این رو برخی از ویژگی‌های شخصیتی افراد می‌تواند به ایجاد وفاق ملی در همان جامعه متکثر کمک کند. از جمله حاج قاسم که در داخل و هم در خارج از مرزهای ایران وجهه مردمی، محبوب و ارزشی داشت و این که افراد همان جامعه‌ای که ادعای متکثر بودن هم بر آن وجود دارد، به درجه‌ای

۱. الکافی، جلد ۲، صفحه ۱۶۴: خلق خدا عیال خدایند، و محبوبترین مردم نزد خدا کسی است که به عیال خدا سود دهد و برای خاندانی سرور و شادی فراهم آورد.

۲. سوره مبارکه بقره آیه ۲۴۵: کیست که خدا را قرض الحسنه دهد تا خدا بر او به چندین برابر بیفزاید؟

۳. نامه ۵۳ نهج البلاغه (عهدنامه مالک اشتر)

رسیده‌اند که او را جزوی از خود می‌دانند. دلسوزی‌اش نسبت به مسائل اجتماعی، او را در جایگاه یک پدر معنوی برای افراد جامعه قرار می‌داد (عبداللهی، ۱۳۹۸). چنانچه در این خصوص هم عقیده داشتند که مسئولین مثل پدر و مادر هستند، پدر و مادر مخصوصاً مادر سه خصوصیت مهم دارد یکی اخلاص نسبت به فرزندش، صمیمیت و مراقبت است، مسئولین در هر جایگاهی هستند، باید چنین دیدگاهی نسبت به مردم داشته باشند (شهید سلیمانی، ۱۳۹۵/۰۷/۰۱). اینگونه سعادت و پیاده‌سازی دستورها و ارزش‌های دینی را محقق می‌کند.

نحوه مواجهه و تعامل پیامبر اسلام(ص) در حکومت صدر اسلام مثل یک پدر مهربان و بالاتر از یک پدر مهربان بود. در عین حالی که با کفار، که قابل هدایت نبوده و توطئه‌گری می‌کردند، با خشونت رفتار می‌کردند. امیرالمؤمنین(ع) چه طور در زمان خلافت، که سیطره بر ممالک بسیاری داشتند، با مردم و مستضعفین چگونه رفتار کرده‌اند. با این همه حکومت‌ها می‌توانند از چنین الگوهای رفتاری عبرت بگیرند. منظور آن است که وقتی کارگزاران حکومتی هر طور رفتار داشته باشند، ملت نیز همان رفتار را خواهند داشت (امام خمینی، ۱۳۹۲: ۳۸۳). از همین موضوع می‌توان آراستن به اخلاقیات خصوصاً توجه و همت-گماری به خویش‌داری را در تحقق ایجاد و حفظ یک رابطه متقابل همدلی در تعاملات اجتماعی با نگرش پدران نافذ و ثمربخش مطرح کرد.

اگر نگاه و تحلیل‌های مبتنی بر سخنان و اقدامات سردار را در چارچوب مرزهای داخل دنبال کرده باشیم و مواضع او را نسبت به دشمنان بیرون مرزهای کشور مشاهده کرده بودیم، نشان‌دهنده و راهنمای بسیار فصیح و روشنی از مانیفستی که مصداق آیه شریفه «أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ»^۱ یعنی با یکدیگر مهربان، رحیم و شفقت هستند و در برابر دشمن سخت و استوار می‌ایستند (تقوی، ۱۳۹۹).

از دیدگاه مقام معظم رهبری الزامات اخلاقی، یعنی ما در درون خودمان اخلاقیات نیکوی اسلامی را پرورش بدهیم؛ از جمله‌ی این اخلاقیات صبر، گذشت، حلم، ظرفیت و جنبه داشتن، تواضع است و الزامات رفتاری هم این است که همین خلقیات نیکو را در عمل با مردم، در عمل با محیط، در تعامل با جامعه و انسان‌ها به کار برد (بیانات رهبری، ۱۳۹۲/۰۸/۲۹). در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی نیز به مبحث اخلاق، معنویت، ظهور تقوا در جمهوری اسلامی ایران در سایه انقلاب اسلامی اشاره کردند: «عیار معنویت و اخلاق را در فضای عمومی جامعه به گونه‌ای چشمگیر افزایش داد. این پدیده مبارک را رفتار و منش حضرت امام خمینی (ره) در طول دوران مبارزه و پس از انقلاب بیش از هر چیز رواج داد» (بیانیه گام دوم انقلاب، ۱۳۹۷).

۱. سوره مبارکه الفتح، آیه ۲۹

شهید سلیمانی در برخورد با آدم‌ها و مردم عادی بسیار متواضع بود. فرماندهی با آن جایگاه، خود را تا این حد متواضع کند، حتماً اثرگذار خواهد بود (نصرالله، ۱۳۹۸). بعد از اتمام یک جلسه مهم با حضور فرماندهان، دوستان ارتش سفره رنگینی را تدارک دیده بودند. شهید کاظمی هم بود و به اتفاق حاج قاسم با نان و پنیر و سبزی مشغول شدند و گفتند که ما به این سفره‌ها عادت نمی‌کنیم و بهتره از خودمان مراقبت و از این تشریفات خالی باشیم (شکوربان‌فرد، ۱۳۹۹: ۲۲). همانا که تحقق حذب‌الای چنین خویشتن‌داری در نظر گرفتن خداوند به عنوان بالاترین ارزش و ودیعه الهی دانستن مسئولیت و جایگاه باعث جهت‌دهی به اعمال انسان در جهت قرب به خداوند می‌شود.

شایان ذکر است که یکی از توصیه‌های همواره مقام معظم رهبری به مسئولان و کارگزاران، مردمی بودن و از مردم شنیدن و در میان مردم بودن است و تأکید دارند به معنای واقعی کلمه با مردم، در کنار مردم، در میان مردم بدون امتیازهای طبقاتی و گروهی باشند؛ ایشان بیان داشتند: «دولت باید مظهر وفاق باشد. بعضی از این تغایرهای موهومی را که در بین مردم وجود دارد، بایستی با نگاه وفاق‌آمیز و نگاه ملاحظت به عموم مردم این توهومات را تضعیف کرد. حالا ممکن است این نگاه‌ها، این اختلاف‌نظرها به کلی از بین نرود لکن بایستی از تأثیرگذاری آن‌ها در حرکت جامعه جلوگیری کرد» (بیانات رهبری، ۱۳۴۰/۰۵/۱۲). از دیدگاه مقام معظم رهبری نیز موضوع وفاق، موضوع بسیار مهمی است که در صورت نادیده‌گرفتن می‌تواند از حرکت انقلاب به سمت اهدافش بازدارد. شهید سلیمانی نیز همواره یکی از عاملین به توصیه‌های رهبری، از این مسئله هیچ کوتاهی نکرد. در مکتب شهید سلیمانی، مردم‌داری و مردم‌یاری و خدمت به عموم انسان‌ها از هر ملت و آیینی حتی انسان‌های غیرمذهبی خصوصاً مستضعفان که تحت سلطه مستکبران هستند؛ یک اصل است. نگاه شهید سلیمانی با نگاه بسیاری تفاوت دارد. چتر انقلاب و چتر ایران را روی سر همه نگاه‌داشته بود. این نشان می‌دهد که در واقع به لحاظ فکری و ارزشی ایشان، انسانی فکر می‌کردند تا اینکه بخواهند سیاسی فکر کنند (مهاجری، ۱۳۹۹).

اوایل فروردین سال ۹۸ مناطقی از کشور که دچار سیل شده بودند، شهید سلیمانی با ابومهدی المهندس ضمن حضور در منطقه و مواجهه و کمک مستقیم به مردم، روی گونی‌های خاک نشسته بودند و در کنار مردم بدون هیچ محافظی مهربانانه خوش و بش می‌کردند. این مسئله که محافظین شهید از نزدیک شدن افراد ناشناس برای جلوگیری از سوء قصد ممانعت به وجود آورند، وجود داشت اما حاج قاسم مدام تذکر می‌داد که مانع مردم نشوند. حتی چند بار به خاطر اینکه با آن‌ها برخورد کرد ولی دلخوری از سمت آن‌ها نبود چون متوجه علاقه متقابلش با مردم بودند (حسنی سعدی و صادقی، ۱۴۰۱: ۱۵۹-۱۵۴).

طبق قرآن برخوردهای مثبت و منفی هرگز یکسان نیست، آثار آن در عمق روح افراد باقی می‌ماند. دفع بدی‌های دشمن با روش نیکو کافی نیست، بلکه به نیکوترین روش‌ها و برترین رفتارهای اخلاقی نیاز

است (قرآتی، ۱۳۸۳: ۳۴۲). به‌عنوان نمونه شهید سلیمانی در مسئله سیلی که در استان خوزستان آمد، خودشان در میان مردم رفت و صحبت‌ها و مشکلات آن‌ها را شنید. یک نفر در یک صحنه‌ای روی یک سنگی نشسته و با سردار تند صحبت می‌کند. شهید سلیمانی در آب می‌رود و از پایین با او حرف می‌زند و از او خواهش می‌کند که خانه را ترک کند. سردار به‌گونه‌ای دستش را به‌صورت آن جوان می‌رساند و سرش را پایین می‌کشد و پیشانی او را می‌بوسد و می‌گوید خانه را ترک کنید خطرناک است (زارعی، ۱۳۹۹). این نمونه‌ای از نقطه‌کمالی شهید سلیمانی است که برخورد تند یک شخص را به نحوی احسن و نیکی پاسخ می‌دهد. سرداری که مجاهدت‌های بسیار داشته و حالا پا به مأموریتی خودخواسته به عشق همدردی با مردم گذاشته و جوانی که توصیه‌هایی را جدی نگرفته، با او تندی کند و نه‌تنها ناراحت نشود بلکه به خواهش سعی دارد که صلاح او را به سرانجام برساند و این یعنی مصداق توانایی انتخاب پاداش بزرگ‌تر و با تأخیر، در مقابل پاداش کوچک‌تر و بدون تأخیر است. اعتقاد ایشان در بخش مردم این بود که این مردم زودتر به بهشت می‌روند و زودتر مورد عنایت قرار می‌گیرند.

یکبار شهید سلیمانی برای بازدید از صحن حضرت زهرا (س) رفته بود. زمانی که مسئول گزارش کار می‌داد، نگاهش به طرف کارگر ساده‌ی مشغول کار بود. یک آن به سمتش رفت و بغلش کرد و ازش خواست که برایش دعا کند. گفت که کار شما اینجا اجر و پاداش زیادی دارد و به سراغ جمع کارگرها رفت و صحبت کرد. این کارگرها ارزش دارند و باید ازشون طلب شفاعت و دعا کنم چون که اجرشون بیشتر هست (حسنی سعدی و صادقی، ۱۴۰۱: ۱۴۴).

علاوه بر این، یکی از تفاوت‌های اساسی در فرماندهان جمهوری اسلامی با سایر کشورها، در نگاه، عملکرد و نوع مدیریتشان است که صرفاً یک مدیریت صرف نظامی نیست. علاوه بر اقدامات امنیتی در کنار اقدامات نظامی، با همه وجود سعی می‌کنند به لحاظ محرومیت زدایی و فرهنگی به مردم جامعه خدمت کنند و این چند بُعدی بودن، یکی از مهمترین نکاتی است که در حوزه فرماندهان نظامی مشاهده می‌شود. این نوع مدیریت فرماندهی در هیچ ساختار نظامی در دنیا وجود ندارد. همین کار را هم شهید احمد کاظمی در شمال غرب انجام می‌دهند و دقیقاً همین اسلوب کاری را که شهید سلیمانی انجام می‌دادند، به ثمر می‌رسانند. نوع مدیریت و اعمال شهید سلیمانی ریشه در یک نفس انسانی دارد. نفسی که معتقد به خداست و درواقع با الهام‌گیری از مکتب اسلام آنجا اعمال وظیفه می‌کند (غلام‌پور، ۱۳۹۹).

شهید سلیمانی در یک بازدیدی از مناطق مرزی هم داخل برجک رفت و با تک تک سربازان صحبت کرد. ازشان خواست که غذایشان را بیاورند و با هم غذا خوردند. تواضعی که فرمانده پاسگاه را به گریه انداخته بود (حسنی سعدی و صادقی، ۱۴۰۱: ۱۴۹). در مراسم بزرگداشتی که برای پدر حاج قاسم گرفته شده بود و برای آماده‌سازی فضا از سربازها کمک گرفته شد. ایشان وقتی وارد شد و صحنه مشاهده

کردند، با به کارگیری سربازها مخالفت کرد اما محافظت از او نگذاشت تا حرفش را قبول کنند. با این حال با تک تک سربازها روبوسی کرد. محبت و عذرخواهی و موقع پذیرایی از مسئولشان خواست اول غذای آنها را بدهند (شکوریان فرد، ۱۳۹۹: ۵۵).

به گفته یکی از همزمان شهید سلیمانی، ایشان در بیست و یک سال در تهران حکم اخراج یک نفر را امضاء نکرد و بیان می‌کردند که زن و بچه‌ی فرد مورد نظر چه گناهی کردند. حتی یک بار به ملاقات فردی که خطا کرده و زندان افتاده بود، رفت. تا جایی که یکی فرماندهان سپاه حزب بعث عراق بعد از سقوط صدام به اشتباه خودش اقرار کرد و با پذیرش حاج قاسم و جنگیدن با داعش، شهید شد. اجازه می‌داد، جوانانی که از روی جهل جذب داعش شده و در محاصره قرار می‌گرفتند، راه گریزی پیدا کنند. شاید از میان آنها عده‌ای هدایت بشوند. نمونه‌های زیادی از آن هدایت‌شده‌ها را حتی در تشییع شهید سلیمانی به ایران آمدند (حسنی سعدی و صادقی، ۱۴۰۱: ۱۵۲-۱۵۷).

یک روز هم گزارش اقدامات نادرست یکی از نیروها به حاج قاسم ارائه شد و بعد پاسخ مثبت به سوالی که پرسیدند؛ آیا یک درصد احتمال اصلاح وجود دارد، گفتند که دیگر چیزی نگوییم. همه تنبیه‌های شهید سلیمانی به صورت شفاهی بود و اعلام می‌کردند که کسی را کتبی تنبیه نکنید، شاید توبه کرده و خدا او را بخشیده است پس تنبیه کتبی داشتن در پرونده چیز خوبی نیست. سردار چندی قبل از شهادتش متوجه شد، در ایام فاطمیه شخصی از اطرافیانش قصد همکاری در بمب‌گذاری و ترور ایشان را داشته است. ولی تأکید کرد هرگز نام ایشان را بر سر زبان‌ها نیندازید، چون پس از این خانواده‌ی او نمی‌توانند در جامعه به راحتی زندگی کنند. وقت اعلام حکم محاربه، سردار گفت اقدام آن‌ها علیه او بوده و نه نظام؛ به همین دلیل اعلام کرد که راضی نیست به خاطر او هیچ انسانی از بین برود یا به زندان بیفتد (حسنی سعدی و صادقی، ۱۴۰۱: ۱۶۵-۱۶۳).

به عنوان چند نمونه دیگر؛ از همکاران و همزمان و نیروهای تحت فرمان ایشان، همین است که تا وقتی آن‌ها از حاج قاسم دلگیر می‌شدند، ناراحتی را با تمام وجود درک می‌کرد و اجازه نمیداد که کار به فردا برسد، بهانه‌ای را برای دلجویی پیدا می‌کرد (حسنی سعدی و صادقی، ۱۴۰۱: ۱۴۳). یک مورد هم حاج قاسم به معمار چک داده و موعد چک هم فرارسیده بود اما حسابشان خالی بود. برای حل این موضوع از کسی درخواست نکرد. تنها دارایی خودش را یعنی خودرو را فروخت و از موقعیت خود استفاده نکرد. یکی از کارمندان هتل‌های سابق کرمان بعد از سال‌ها به عنوان پیمانکار آشپزخانه در یکی از جلسات استانداری کرمان حضور داشت. حاج قاسم متوجه او شد و به سمتش رفت. او را به همه معرفی کرد و گفت که پیش او قبلاً کار کرده و صاحب کارش بوده است. در واقع با این کار به گذشته و دوستان قدیمی‌اش افتخار می‌کرد (حسنی سعدی و صادقی، ۱۴۰۱: ۱۵۸-۱۵۶).

شهید سلیمانی به دلیل فضای معنوی و اوج ایثار و فداکاری در دفاع مقدس، متأثر از آن بود. از دیدگاه او آن چیزی که بر این فضا اثرگذار شد، بُعد اخلاقی و ایثار و فداکاری بود که جلوه‌های زیبا و ارزشمند و متحیرکننده به وجود آمد و علاج جامعه امروز در همین است. از ویژگی‌های جبهه تربیت پاک بود، انسان‌های پاک را در درون خودش تربیت کرد. در جبهه فضایی بود که میکروب هوای نفس در آن جایی نداشت، به تعبیر دیگر ایزوله شده بود، دعوا و تمرد، خودبزرگ‌بینی و مجادله‌ای نبود. آن چیزی که می‌تواند جامعه امروز را منزه بکند و بر جامعه اثرگذار باشد، نظام است (شهید سلیمانی، ۱۳۹۵/۰۷/۰۱). شهید سلیمانی با الهام از سخنان و رهنمودهای امام خمینی (ره) به جوانان توصیه کرده که دنبال تعلقات پست نباشند. همه ما راهی به یک سمت هستیم و طبق فرموده امام (ره) اوج بندگی در سیروسلوك و در عالم معنویت شهادت است و بندگی خالصانه عبودیت منجر به شهادت می‌شود (شهید سلیمانی، ۱۳۹۷/۵/۰۴). از همین مطالب نیز مسلم است که شهید سلیمانی طبق نظر اندیشمندان رادرفورد و داوشرن، در انتخاب رفتارها یا اعمال خود، به جای تکیه بر انگیزه‌های آنی به نتایج آن‌ها توجه و عمل کرده و زیربنای انتخاب‌های رفتاری او به زندگی بعد از این دنیا مربوط می‌شود. با موشکافی رفتارهای شهید سلیمانی، با ویژگی‌هایی که افلاطون در خصوص افرادی که سلامت نفس داشته و خویشتردار هستند، عنوان کرده، تطبیق داشته که از جمله آنکه این دسته از افراد آرامش و تعادل رفتاری، اتخاذ تصمیمات منطقی، تنش‌زدایی، عزت نفس و غیره را برخوردار می‌باشند (سلطانی، ۱۳۹۵: ۱۱۸).

نتیجه‌گیری

در طول تاریخ شخصیت‌های فرهنگی و علمی، فرماندهان نظامی و رهبران بسته به نقشی که در پیشبرد اهداف یک ملت داشته‌اند در حافظه تاریخی یک کشور ماندگار شده‌اند و هریک از آن‌ها دارای خصوصیات و استراتژی‌هایی بودند که آنها را از هم ردیفان خود متمایز کرد. شهید حاج قاسم سلیمانی که همگان بر شخصیت معنوی و وجوه منش ایشان اتفاق نظر داشتند؛ شخصیت دین‌ورز، معنوی و اخلاق محور، روحیه سلحشوری و سخت‌کوشی، مردمی بودن، ادبیات و کلام او در سخنرانی‌ها از جمله ویژگی‌های ممتاز اوست که سبب افزایش ضریب همبستگی میان ایرانیان گشته است. یکی از وجوه بارز اخلاقی ایشان که آثار قابل توجهی دارد، خویشترداری و نگاه ویژه به مردم است که در رفتار و سخنان تجلی پیدا خواهد کرد. طبق آرای افلاطون این دسته از افراد با تکیه بر ویژگی‌های تجربه‌پذیری در مواجهه با استرس‌ها، به راحتی می‌توانند در سایه خردورزی از راهبردهای عقل برای مقابله استفاده کنند و به پشتوانه نیروی درونی خود را از راهبردهای هیجان‌مدار منفی فاصله بگیرند. مطلبی که در قرآن و روایات دینی بر امر خویشترداری و اهمیت و نقش جایگاه مردم در مقام فردی و حکومتی تأکید شده است. مطلبی که شهید سلیمانی به استناد و پشتوانه آن کار خود را تا بدانجا رساند تا در بحران‌های امنیتی به

جای تکیه به نهادهای رسمی، به سراغ متن مردم برای استعانت از ظرفیت آنها رفته است. ایشان شخصیت ویژه‌ای داشتند که به قلب انسان‌ها بسیار نزدیک می‌شد چون افتادگی ایشان را مشهود درک می‌گردید. ایشان یک پروژه اصلی را پیش می‌بردند که همان متحد کردن امت اسلامی به سمت و سوی هدف حول عدل و عدالت در زمین بود؛ چنانچه تأثیر اقدامات و عملکرد او را در میزان تحقق چنین پروژه-ای قابل لمس بود و دشمنان از این موضوع که همان به پا خواستن امت اسلامی در مقابل آنها، به شدت احساس خطر کردند.

این یک پروژه‌ی فراقومیتی و فرامذهبی است و هر کسی که می‌خواهد در این چهارچوب قرار بگیرد، مورد استقبال و با آغوش باز استقبال می‌شود. این یک پروژه اسلامی است که حول کشورهای دیگر و با محوریت تولی و تبری جمع می‌شود. از جنبه تمدن نوین اسلامی وجود نیروهای تربیت شده مؤمن، انقلابی و کارآمد که هر یک با تعهد عهده‌داری بخشی از ساختن بنای عظیم تمدن اسلامی ضروری بوده و الگوی محوری شهید سلیمانی با درس‌های اخلاقی در تدوین تجارب نه تنها برای نسل فعلی بلکه برای نسل آیندگان علاوه بر یک اثر سعادت‌ی و نیکبختی، کاهش احتمال تعارضات بین گروه‌های اجتماعی و قدرت سیاسی را به همراه خواهد داشت.

References

- Khomeini, Ruhollah, (2012), Islamic government and Guardianship of the Islamic Jurist in the thought of Imam Khomeini , Tehran, Imam Khomeini's Editing and Publishing Institute.
- Qaraeti, Mohsen, (2013), Tafsir Noor, Tehran, Cultural Center of Lessons from the Qur'an.
- Dekhoda, Ali-Akbar, (1964), Dictionary, Tehran, print publisher.
- Sarokhani, Baqer, (2007), research methods in social sciences, Tehran, Research Institute of Humanities and Cultural Studies.
- Majlisi, Mohammad Baqir, (۱۶۸۳), Bahar al-Anwar, vol. 68, Beirut, Dar Ehiya al-Turath al-Arabi.
- Hasani Saadi, Mohammad Reza; Sadeghi, Abbas, (۲۰۲۲), the ۱۰12th person, Kerman, Shahid Soleimani Publications.
- Shakurian Fard, Narjes, (2019), Haj Qasem, Tehran, Ahed Mana Publications.
- Mesbah-Yazdi, Mohammad Taqi, (2014), Moral Philosophy, Mohammad Hossein Sharifi, Qom, Imam Khomeini Educational and Research Institute.
- Ranjbar, Massoud, (2008), Ethics in Alevi politics, Pegah Hozha, (262): 23-27.
- Kafi, Abdul Hossein; Masoudi, Abdul Hadi, (2013), the relationship between attention to the knowledge of God and self-control in humans, Ethical Researches, 4 (2): 5-20.
- Issa zadeh, Issa, (2017), behavioral solutions to achieve peace from the perspective of the Qur'an, Qur'an and Medicine, 4 (1): 5-12.
- Soltani Kohanestani, Maryam, (2015), self-control and its role in peace of mind from Plato's point of view, Ethical Researches, 7 (1): 111-128.
- Haydarzadegan, Alireza; Kazemi, Yahya; Sanati Zadeh, Fatemeh, (2013), the relationship between self-control, creativity and leadership styles, Educational Psychology Studies, 9 (16): 39-54.
- Zarei, Saadullah, (2018), Preliminary research in the Soleimani school, Strategic Studies of the Islamic World, 20 (3): 5-24.
- Rutherford, K. Dowshen, S, (2001), Teaching Your Self-Control. The Nemours Foundation.
- Tavalai, Ruholla ؛ Nobari, Alireza and Khalili, Hasan, (2019), the position of Islamic spirituality in the growth and excellence of commanders (Shahid Soleimani, a model of spiritual excellence), the second international conference on the second step of the Islamic Revolution: School of Shahid Soleimani; The training model for civilizing Jihadist managers.
- Moazzemi Gudarzi, Ali, (2018), presenting the ethical and religious model of managers from the perspective of Shahid Soleimani, the second international conference on the second step of the Islamic revolution: Shahid Soleimani's school.
- Dehghani, Mohammad, (2018), the functions of Islamic unity and cohesion in the creation of modern Islamic civilization, collection of essays on the second step of the revolution; Model of order of civilizing revolution: 217-236.

- McCullough ,M. E, & Brian, L. B, (2009), Religion, Self-Regulation, and Self-Control: Associations, Explanations, and Implications, Psychological Bulletin, v. 135, N. 1, p. 69-93.
- Masicampo, E. J. & Baumeister, R. F, (2007), Relating mindfulness and selfregulatory processes. Psychological Inquiry, v18, 255-258.
- Juma Mozafari, Ali, (2018), ethics and spirituality, obstacles and harms, collection of essays on the second step of the revolution; Model of order of civilizing revolution: 181-205.
- Karimi Khoigani, Ruhollah, (2019), spiritual and humble leadership in the school of Shahid Soleimani, the second international conference on the second step of the Islamic revolution: the school of Shahid Soleimani
- Zarei, Saadullah, (2019), Human aspects of Shahid Soleimani School, Imam Hossein University.
- Shirazi, Ali, (2019), Islamic lifestyle in the school of Shahid Soleimani, Imam Hossein University.
- Gholampour, Ahmad, (2019), commander in Shahid Soleimani School, Imam Hossein University.
- Saadat Nejad, Ismail, (2019), cultural indicators in the school of Shahid Soleimani, Imam Hossein University.
- Miri, Seyedjavad, (2018), Jahan Pahlavan, Research Institute of Islamic Culture and Art.
- Pezeshki, Farzaneh, (2018), Jahan Pahlavan, Research Institute of Islamic Culture and Art.
- Soleimani, Qasem, (2017), Ramadan Operation Memorial.
- Soleimani, Qasem, (2016), speech on the anniversary of the victory of the Islamic Revolution.
- Soleimani, Qasem, (2015), Martyrdom Anniversary of Shahid Hossein Hamdani.
- Soleimani, Qasem, (2015), speech at the congress of eight thousand Shahids of Gilan.
- Taqvi, Ali, (2019), «Conference commemorating the Seyyed Shohada of resistance», accessible at: <http://isojd.ac.ir/fa/news/۲۱۴۳>
- Mohajeri, Mohammad, (2019), «Hajj Qasem Soleimani became a myth», accessible at: www.borna.news/fa/tiny/news-۱۱۱۲۲۷۶
- Cullough, M. Willoughby, B, (2007), «Religion, Self-Regulation ,and Self-control» , Available at: www.psy.miami.edu/faculty/self-control.